



Challenges of Criminalizing Money Laundering from the Perspective of Politics and Criminal Justice

Amir Hamzeh Salarzaei¹, Atefeh Noshervani^{*2}, Nader Mokhtari Afrakti³, Javad Shayanfar³, Hossein Khodayar³

1. Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

2. Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 221-237

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0000-1713-9154

Email: Atefehnooshirvani@gmail.com

Article history:

Received: 11 Aug 2025

Revised: 18 Oct 2025

Accepted: 06 Dec 2025

Published online: 20 Feb 2026

Keywords:

Money Laundering, Double Punishment, Principle of Innocence, Criminal Policy, Criminal Justice.

ABSTRACT

The criminalization of money laundering in Iranian law, which is aimed at combating illicit financial flows, is in conflict with the fundamentals of jurisprudence and the constitution, as well as the principles of criminal justice and politics, and faces serious challenges. The findings show that preventing and reforming the conditions for money laundering and paying attention to the role of regulatory institutions in criminalizing it can be a more effective solution to prevent the spread of this phenomenon, because its criminalization leads to conflict with legal and jurisprudential principles, including Article 4 of the Constitution, which leads to acquittal and double punishment. This study, using a descriptive-analytical method and using domestic jurisprudential and legal sources, criticizes the criminalization of money laundering punishment, and considers the civilization of its punishment to be more appropriate in order to resolve conflicts and combat and prevent money laundering. This approach, while ensuring deterrence, is also more consistent with the fundamentals of jurisprudence and the requirements of the constitution, politics, and criminal justice.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Salarzaei, AH; Noshervani, A; Mokhtari Afrakti, N; Shayanfar, J & Khodayar, H (2026). "Challenges of Criminalizing Money Laundering from the Perspective of Politics and Criminal Justice". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 221-237.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

چالش‌های کیفری‌سازی مجازات پول‌شویی از منظر سیاست و عدالت کیفری

امیرحمزه سالارزائی^۱، عاطفه نوشروانی^{۲*}، نادر مختاری افراکتی^۳، جواد شایان‌فر^۳، حسین خدایار^۳

۱. استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

چکیده

جرمانگاری کیفری پول‌شویی در حقوق ایران که با هدف مبارزه با جریان‌های مالی نامشروع صورت گرفته، با مبانی فقهی و قانون اساسی و مبانی سیاست و عدالت کیفری در تعارض قرار گرفته و با چالش‌های جدی مواجه می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که پیشگیری و اصلاح بسترهای ایجاد پول‌شویی و توجه به نقش نهادهای نظارتی در مقابل جرم‌انگاری آن، می‌تواند راهکار مؤثرتری جهت جلوگیری از شیوع این پدیده باشد، چراکه جرم‌انگاری کیفری آن منجر به تعارض با اصول حقوقی و فقهی، ازجمله اصل ۴ قانون اساسی و اصل برائت و سبب مجازات مضاعف می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع فقهی و حقوقی داخلی، به نقد کیفری‌سازی مجازات پول‌شویی پرداخته و جهت رفع تعارضات و مبارزه و پیشگیری از پول‌شویی راهکار مدنی‌سازی مجازات آن را مناسب‌تر می‌داند که این رویکرد ضمن تضمین بازدارندگی، با مبانی فقهی و الزامات قانون اساسی و سیاست و عدالت کیفری نیز سازگاری بیشتری دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۱-۲۳۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۹۱۵۴-۱۷۱۳-۰۰۰۹-۰۰۰۹

ایمیل: Atefehnooshirvani@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

پول‌شویی، مجازات مضاعف، اصل برائت، سیاست کیفری، عدالت کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

پول‌شویی فرایندی است که طی آن پول کثیف و غیرقانونی به گردش افتاده، به‌نحوی که در پایان کار شکل پول قانونی و پاک را به خود می‌گیرد. باتوجه به شیوع و گسترش فعالیت‌های مالی غیرقانونی، مانند قاچاق مواد مخدر، فساد اداری و جرایم سازمان‌یافته، نقش پول‌شویی در جامعه پررنگ‌تر شده و مبارزه با آن به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده است. جرم‌انگاری پول‌شویی در اغلب نظام‌های حقوقی جهان به‌عنوان ابزار مقابله با پیامدهای فساد مالی و حفظ سلامت اقتصاد ملی مطرح شده است. در ایران نیز با تصویب «قانون مبارزه با پول‌شویی» و اصلاحات بعدی آن، این جرم در کنار ضمانت‌اجراهای کیفری، وارد چرخه سیاست جنایی کشور گردید. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه پول‌شویی بیانگر این مهم می‌باشد که کنترل و مهار پول‌شویی دغدغه اصلی حقوق‌دانان و صاحب‌نظران رشته حقوق می‌باشد و ایشان نیز راهکار کنترل و مهار پول‌شویی را جرم‌انگاری کیفری و حتی تشدید مجازات‌های مقرر شده می‌دانند، اما از اهمیت نقش و وظیفه نهادهای حاکمیتی در پیشگیری و مبارزه با پول‌شویی غافل شده‌اند، چراکه این نهادها مدافعان سلامت اقتصادی جامعه در برابر جرایم مالی و اقتصادی می‌باشند، لذا باید توجه داشت که رویکرد کیفری صرف، بدون اصلاح ساختاری و پیشگیری اجتماعی، کارایی محدودی دارد که شاهد این مدعا افزایش بی‌رویه آمار پول‌شویی در جوامع مختلف می‌باشد و مهم‌تر از آن، این که جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی و اجرای مجازات آن با چالش‌های جدی از حیث تناقض با منابع فقهی، قانون اساسی و سیاست و عدالت کیفری مواجه می‌باشد که در هیچ پژوهشی بدان توجه نشده است، لذا این پژوهش در پی پاسخ بدین سؤال می‌باشد که جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی با چه چالش‌هایی مواجه می‌باشد و چه راهکاری جهت رفع این تعارضات و جلوگیری از شیوع و گسترش پول‌شویی وجود دارد؟

۱- تعریف پول‌شویی و بررسی مجازات آن در قانون ایران

پول‌شویی در زبان حقوق‌دانان با تعاریف مختلفی بیان شده است. در تعریفی از آن آمده است: «پاک‌کردن و یا پاک نشان‌دادن درآمد ناپاک حاصل از رفتار مستقیم یا غیرمستقیم مجرمانه و واردکردن این عواید در چرخه اقتصاد جامعه» (سالرزائی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). برخی نیز پول‌شویی را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «کلیه عملیات اقتصادی که بر روی پول مشکوک انجام می‌شود تا به‌صورت قانونی درآید (صحرائیان، ۱۳۸۱: ۵۱). برخی پول‌شویی را مخفی‌نمودن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و سپس تبدیل آن‌ها به اموال پاک را پول‌شویی نامیده، به‌نحوی که پیداکردن منبع اصلی مال غیرممکن یا بسیار دشوار باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷: ۲۷). در تعریفی نیز پول‌شویی فرآیند مخفی‌نگه‌داشتن منبع اصلی درآمدهای ناشی از اعمال مجرمانه دانسته شده که در نتیجه آن، به این درآمدها جلوه‌ای پاک و حاصل از اعمال قانونی بخشیده می‌شود (موسوی مقدم، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۶). این پدیده در دهه‌های اخیر به یکی از معضلات مهم نظام‌های حقوقی و کیفری جهان تبدیل شده است، به همین دلیل مبارزه با آن به یکی از اولویت‌های اصلی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده است، لذا در این راستا کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی به تصویب رسیده است، از جمله کنوانسیون وین ۱۹۸۸، کنوانسیون بازل ۱۹۸۸ و رهنمودهای تکمیلی در سال ۲۰۰۱، کنوانسیون شورای اروپا ۱۹۹۰، دستورالعمل اروپایی ۱۹۹۱، توصیه‌های چهل‌گانه در سال ۲۰۰۱، کنوانسیون شورای اروپا ۱۹۹۰، دستورالعمل اروپایی ۱۹۹۱، توصیه‌های چهل‌گانه در سال ۱۹۹۰ و اصلاحیه‌های آن در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۶، کنوانسیون پالمو در سال ۲۰۰۰، کنوانسیون ملل متحد مشهور به مریدا برای مبارزه با فساد مالی در سال ۲۰۰۳، دستورالعمل اتحادیه و شورای اروپا در سال ۲۰۰۵، توصیه‌های تجدید نظر شده FATF در سال ۲۰۱۲، قطع‌نامه ۱۳۷۳ شورای امنیت ۲۰۰۱ و دیگر پیمان‌نامه‌ها، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و ملی که اسناد و راهکارهای مختلفی جهت مبارزه با پول‌شویی ارائه داده‌اند (خیرانی آرانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۷). کشور ایران نیز با اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب سال

عنوان تطهیر مال بیان شده است (سالارزائی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). درواقع قرآن کریم برخلاف نظام‌های حقوقی نوین، بر ماهیت مال و نحوه به‌دست‌آوردن آن تمرکز دارد، نه بر فرآیند جابه‌جایی یا تغییر ظاهر آن. آیات قرآن به‌شدت با فعالیت‌های نامشروع (مانند ربا، غصب، سرقت و اکل مال به باطل) برخورد کرده و مجازات‌های مشخصی برای آن‌ها تعیین نموده است، اما در هیچ جای قرآن، تغییر دادن ظاهر مال نامشروع به‌عنوان یک عنوان مجرمانه مستقل تعریف نشده است. درواقع، قرآن کریم بر جرم اصلی تمرکز دارد و فرآیند پنهان‌سازی آن را، اگرچه از نظر اخلاقی مذموم، اما از نظر فقهی، یک جرم مستقل کیفری با عنوان پول‌شویی قلمداد نمی‌کند.

۲-۱-۱- بررسی آیات

با این‌که خود واژه یا اصطلاح «پول‌شویی» در قرآن کریم به‌صراحت بیان نشده است، اما قرآن کریم به‌صورت اصولی، کلی و بنیادین با ریشه‌های پول‌شویی، مبارزه نموده و آن را حرام شمرده است. درواقع خداوند در قرآن کریم مسلمانان را از تمامی زمینه‌های ایجاد پول‌شویی منع نموده و مفاهیم و رفتارهایی که امروز ما آن‌ها را «پول‌شویی» می‌نامیم، تحت عنوان تطهیر مال یا ذیل عنوان‌های گسترده‌تری همانند اکل مال به باطل، همکاری با گناه و عدوان در آیات مورد نهی قرار گرفته‌اند که ذیلاً به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱-۱- منع نمودن از تطهیر مال

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ غَنِیُّ خَمِيدٌ» (بقره/۲۶۷).

در تفسیر این آیه بیان شده است که در صدر اسلام و در زمان جاهلیت، مؤمنین اموال زیادی را از طریق ربا و نوعی تزویر کسب کرده بودند و بدین‌وسیله و با قصد واراده خویش، می‌خواستند آن اموال را با زکات‌دادن و امثال آن، تطهیر نمایند (سالارزائی، ۱۳۹۰: ۱۳۳) که آیه مبارکه آنان را از انجام چنین اعمالی منع می‌نماید، لذا از منظر قرآن مال خبیث، حتی اگر به‌شکل قانونمند یا خیرخواهانه وارد اقتصاد شود، باز هم مورد پذیرش اسلام نمی‌باشد. در فرآیند

۱۳۸۶، همگام با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جهت مبارزه با پول‌شویی قدم برداشته است. ماده ۲ این قانون در ۳ بند و ۳ تبصره مصادیق پول‌شویی را بیان نموده است. بند اول آن تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرایم با علم به منشأ مجرمانه آن، را مصادقی از پول‌شویی می‌داند. بند دوم آن تبدیل، مبادله یا انتقال عواید به‌منظور پنهان یا کتمان نمودن منشأ مجرمانه آن، با علم به این‌که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم درنتیجه جرم تحصیل شده باشد را از مصادیق پول‌شویی می‌داند. بند سوم نیز پنهان یا کتمان نمودن منشأ منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درنتیجه جرم تحصیل شده باشد را نیز پول‌شویی می‌داند. ماده ۹ این قانون مجازات پول‌شویی را این‌گونه بیان می‌کند: «اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پول‌شویی (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) مصادره می‌شود و همچنین چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد (۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد، به حبس تعزیری درجه پنج و ارقام بیشتر از آن به حبس تعزیری درجه چهار در هر دو مورد علاوه بر مجازات قبل به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پول‌شویی واقع گردیده، محکوم می‌شوند»، لذا در قانون کشور ایران نیز، جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی به‌معنای تعریف قانونی این عمل به‌عنوان یک جرم مستقل و تعیین مجازات برای آن، جهت مقابله با پول‌شویی پذیرفته شده است.

۲- چالش‌های جرم‌انگاری کیفری مجازات پول‌شویی

جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی که به‌عنوان راهکار مبارزه با پول‌شویی مورد توجه قانون‌گذاران کیفری و صاحب‌نظران و محققان رشته حقوق قرار گرفته است، با چالش‌های جدی از حیث تناقض با منابع فقهی، قانون اساسی و سیاست و عدالت کیفری روبه‌رو می‌باشد که ذیلاً به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۲-۱- عدم جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی در قرآن کریم و

منابع فقهی

پول‌شویی که با عنوان «Money Laundering» در مکاتب زنده دنیای امروز معادل‌سازی گردیده است، چنین نیست که در گذشته سابقه‌ای نداشته باشد، بلکه در متون فقهی تحت

ثانویه یا تطهیر آن نیز مشمول نهی است. تطهیر ظاهری اموال نامشروع (پولشویی) مصداقی از «اکل مال به باطل» می‌باشد.

۲-۱-۳- نهی از همکاری با گناه

آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده/۲) هرگونه همکاری، تسهیل یا مشارکت را که نتیجه‌اش تقویت یا تحقق یک فعل حرام یا ظلم باشد را ممنوع و حرام دانسته، حتی اگر شخص به‌صورت مستقیم مرتکب آن فعل نشود. بنابر آیات شریفه قرآن کریم، هرچند تحصیل و تصرف در مال حرام به‌طور مطلق مذموم و ممنوع است، اما پول‌شویی با یک عنوان مستقل و کیفری معین نشده است. به بیان دیگر، شارع مقدس تنها بر حرمت زمینه‌های ایجاد پول‌شویی تأکید کرده و ضمانت اجراهای مدنی و شرعی را مقرر داشته است، نه تأسیس یک جرم‌انگاری کیفری جداگانه.

۲-۱-۲- بررسی روایات

همان‌طور که در آیات بیان شد، در روایات متعددی نیز از زمینه‌های ایجاد پول‌شویی نهی شده است.

محمد بن الحسن در این‌باره از امام صادق نقل می‌کند: «لایصح شراء السرقة إذا عرفت» (حلی، ۱۴۱۳: ۳۹۲/۲۵) که این روایت تنها ممنوعیت معامله با مال مسروقه را بیان می‌کند و حکمی به‌عنوان جرم‌انگاری مستقل پول‌شویی ندارد. این امر نشان می‌دهد که عنوان «پول‌شویی» به‌شکل جرم‌انگاری مستقل در فقه نیامده و ضمانت اجرای آن مالی و مدنی است نه کیفری.

همچنین به نقل از امام صادق (ع) بیان شده است که: «چهار چیز در چهار مورد روا نیست: خیانت، غلول (برداشت ناروا از بیت‌المال)، سرقت و ربا، هیچ‌یک از این‌ها در حج، عمره، جهاد و صدقه جایز نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۴/۵). واضح است که پول‌شویی نیز مصداقی از خیانت و غلول است، اما همانند سرقت کیفر دنیوی برای آن تعیین نشده است.

در روایت دیگری نیز امام صادق می‌فرماید: «آنچه را که اسلام اصلش را حرام کرده و نهی نموده، خرید و فروش آن‌ها هم

پول‌شویی، مال خبیث (منشأ نامشروع) با عملیات مالی و حقوقی، در چرخه اقتصاد رسمی وارد می‌شود تا رنگ «طیب» بگیرد که آیه مبارکه دقیقاً همین منطق را نفی می‌نماید.

۲-۱-۲- نهی از اکل مال به باطل

خداوند در آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...؛ اموالتان را در میان خود به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید.»

منظور از اکل، تنها تصرف حقیقی نیست، بلکه شامل تصرفات اعتباری، یعنی تملک و تصاحب هم می‌شود (گرجی، ۱۳۸۳: ۲۴). علامه طباطبایی منظور از اکل را، گرفتن یا مطلق تصرفات می‌داند (طباطبایی، بی‌تا: ۵۱/۲). شیخ طوسی دو معنا برای اکل مال بیان می‌کند: ۱- تملک‌نمودن اموال دیگران از طریق ظلم و تعدی، مانند خیانت، سرقت و ...؛ ۲- اموالی که از طریق نامشروع به دست آمده باشد، مثل قمار و ... (شیخ طوسی، بی‌تا: ۱۳۸/۲).

طبرسی درباره واژه باطل می‌نویسد: «باطل در برابر حق است و به هر چیز بی‌اساس، ناشایسته و ناپایدار و ظالمانه گفته می‌شود» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۵۰/۳). به‌طور کلی هر چیزی که حق نباشد، باطل خواهد بود (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۵۶/۱۱). قرطبی قمار، حيله و نیرنگ، غصب، انکار حق و هر آن‌چه مالک آن راضی نبوده و یا هر آن‌چه شارع تحریم نموده، هرچند صاحب آن راضی باشد را از مصادیق باطل می‌داند (قرطبی، ۱۴۰۵: ۳۳۸/۲) و از نظر برخی آیه تمام تصرفات ناروا را دربر می‌گیرد و عمومیت دارد و در بسیاری از موارد ذکر قمار و امثال آن از باب انحصار نیست، بلکه در حقیقت از باب بیان مصداق است (طباطبایی، بی‌تا: ۵۲/۲). طبق آیه مبارکه اسلام هرگونه تصرف در اموال و دارایی که بر مبنای حق و عدالت و اصول درست صورت نگیرد را حرام و باطل می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ۱۴۵/۱)، چراکه در نظام حقوقی اسلام، همان‌طور که خود انسان محترم و دارای شرافت و کرامت می‌باشد، اموال وی نیز محترم شناخته شده و کسی حق تعدی و تجاوز بدان را ندارد. در فقه، «اکل مال به باطل» به منزله قاعده عام منع تحصیل مال از طریق نامشروع شناخته می‌شود. تحت این قاعده، نه‌فقط تحصیل اولیه مال از طریق حرام، بلکه گردش

باید یادآور شد که فعل حرام و مجازات هیچ‌گونه تلازمی با یکدیگر ندارند و ممکن است فعلی حرام تلقی شده باشد، اما در این دنیا مجازات کیفری نداشته باشد، مانند غیبت و کذب (سالارزائی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)، لذا باوجود جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی در نظام حقوقی کنونی ایران، تحلیل منابع معتبر فقهی، نشان می‌دهد که تطهیر مال (پول‌شویی) نه با یک عنوان مجرمانه با حد شرعی مشخص آمده و نه در ذیل تعزیرات کیفری با مجازات مترتب بر آن قرار گرفته است و فقه صرفاً آن را موجود مسؤولیت مدنی و پیامدهای مرتبط با آن می‌داند که این نشان‌دهنده مغایرت جرم‌انگاری پول‌شویی با اصل ۴ قانون اساسی می‌باشد. همان‌طور که اصل ۴۹ قانون اساسی نیز تکلیف ثروت‌های غیرقانونی و نامشروع را مشخص نموده است، این اصل بیانگر آن است که دولت وظیفه دارد ثروت‌هایی که از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع ناشی می‌شود، را گرفته و به صاحب حق رد نماید و درصورت معلوم‌نبودن صاحب حق باید به بیت‌المال بدهد که این اصل نیز با عنوان کردن ضبط و استرداد اموال نامشروع صراحتاً بیانگر جنبه مدنی پول‌شویی بوده و متعرض جنبه کیفری و ضمانت اجرای کیفری برای آن نشده است.

۲-۳- مخالفت جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی با اصل برائت

یکی از چالش‌های جدی در سیاست جنایی معاصر ایران در قبال جرم پول‌شویی، مسأله معکوس‌شدن بار اثبات است. در قوانین مبارزه با پول‌شویی، بار اثبات مشروعیت مالی گاه به دوش متهم گذاشته می‌شود، درحالی‌که طبق اصل برائت، اصل بر سلامت و حلال‌بودن دارایی‌هاست و دولت موظف است جرم را اثبات کند، نه این‌که شهروندان برای اثبات مشروعیت تراکنش‌های خود تحت فشار کیفری قرار گیرند. این اصل که برگرفته از قواعد فقهی «أصله البرائه» و «البینه علی المدعی والیمین علی من أنکر» می‌باشد، صراحتاً در اصل سی‌وهفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب یافته است، لذا کلمه برائت در این اصل قانون اساسی، یک اصل بیان شده و همیشه باید ویژگی‌های اصل‌بودن آن

جایز نیست» (مغربی، ۱۳۸۳: ۱۹/۲)، این روایت نیز مسلمانان را صراحتاً از خرید و فروش آن‌چه خداوند حرام اعلام نموده، منع می‌کند بدون آن‌که برای آن مجازات دیگری در نظر گرفته باشد.

شیخ طوسی درباره اختلاط مال حلال با حرام می‌فرماید: «هرگاه مال انسان با مال حرام آمیخته شود و آن را نشناسد و بخواهد تطهیر کند، خمس آن را بدهد و استفاده از باقی برای او حلال است» (حر عاملی، ۱۴۱۰: ۱۹۷/۱۷). روشن است که اصل بر «تطهیر مال» است نه مجازات صاحب آن و این روایت هم تطهیر مال با منشأ حرام را مطرح نموده و هم چگونگی تطهیر آن، بدون آن‌که برای تطهیرکننده و پول‌شویی مجازاتی معین شود.

از بین فقه‌های معاصر امام خمینی نیز خریدن چیزی که از راه قمار، دزدی یا از معامله باطل تهیه شده باشد را باطل و تصرف در آن مال را حرام دانسته است (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

آیات و روایاتی که فوقاً بیان شد، صراحتاً بیانگر این موضوع می‌باشند که سیاست نظام حقوقی اسلام جهت مبارزه با پول‌شویی، سیاست پیشگیرانه می‌باشد، درواقع دین اسلام به جای مبارزه با معلول به مبارزه با علت پرداخته است تا از شیوع این پدیده جلوگیری شود.

۲-۲- مخالفت جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی با قانون اساسی

از آنجا که در فقه امامیه عنوان مجرمانه‌ای به‌نام «پول‌شویی» یا جرم مستقل «تطهیر مال» وجود ندارد و بسیاری از اعمال مرتبط با آن مانند جابه‌جایی پول یا انجام معاملات، در ذات خود مباح هستند، جرم‌انگاری مطلق این فرآیند بدون نص معتبر شرعی، با رویکرد انطباق کامل قوانین با موازین اسلامی (اصل چهارم) در تعارض است، لذا اصل ۴ قانون اساسی، مبنی بر این‌که قوانین کشور باید براساس موازین فقهی باشد، این ضرورت را ایجاب می‌کند که جرم‌انگاری و مجازات پول‌شویی باید با فقه اسلامی نیز هماهنگ باشد، اما همان‌طور که فوقاً بیان شد، در قرآن کریم آیاتی که تطهیر مال را بیان نموده‌اند، آن را جرم تلقی ننموده و فقط مردم را از انجام عمل منع نموده‌اند و در این خصوص

کیفری وجود ندارد و پاسخ شرع به مال نامشروع، ماهیتی مالی و مدنی دارد، نظیر رد مال و یا ضمان.

البته برخی معتقدند که تعارض جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی با قاعده «البینه علی المدعی والیمین علی من أنکر» قابل حل می‌باشد و برای حل این تعارض به ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی تمسک نموده‌اند، بدین صورت که در این ماده بیان شده است: «هرکس مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند و مدعی‌علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد، اثبات امر برعهده او است» که ایشان با استناد به قسمت دوم این ماده با عنوان معکوس شدن جای منکر و مدعی و انقلاب دعوا، بر این باورند که در هر مرحله از دعوا باید بررسی کرد که چه کسی مدعی و چه کسی مدعی علیه می‌شود (علیشاهی قلعه‌جویی و معالی، ۱۴۰۱: ۱۰۷).

لذا از نظر ایشان در دعوای پول‌شویی، صاحب مال مدعی مشروع بودن آن است، لذا مکلف به آوردن بینه می‌شود، اما این برداشت از دو جهت قابل نقد می‌باشد:

۱- ملاک فقهی مدعی و منکر: آن‌طور که از تحلیل نویسنده فوق برمی‌آید، ایشان صاحب مال را مدعی فرض نموده که باید مشروعیت مال خویش را اثبات نماید، اما واضح است که ایشان توجه دقیقی به معنای مدعی و منکر در فقه نداشته‌اند، لذا لازم است تعریف مدعی در منابع فقهی بررسی شود. برخی منابع فقهی مدعی را کسی می‌دانند که اگر دعوی را ترک نماید کسی متعرض او نمی‌گردد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۷۵/۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۸۹۳/۴). بنابر این تعریف، مدعی کسی است که با ترک دعوا، وضعیتش عادی شده و تعرضی متوجه او نیست. در پول‌شویی مقام تعقیب چنین موقعیتی دارد، چراکه اگر ادعای نامشروع بودن مال را رها کند، دارنده مال به حال خود گذاشته می‌شود و تعرضی به او نمی‌شود و بالعکس، صاحب مال یا متهم پول‌شویی، حتی اگر هیچ اقدامی برای اثبات مشروعیت مال خود نکند و دعوا را ترک کند، باز هم به سبب اتهام مقام تعقیب و روند قضایی تحت تعقیب قرار می‌گیرد. برخی نیز مدعی را کسی می‌دانند که قولش مخالف با اصل باشد (آشتیانی، بی‌تا: ۳۳۲) و منظور از اصل نیز تمام اصول و قواعد معتبری می‌باشد که برحسب

در نظر گرفته شود و یکی از ویژگی‌های آن اینست که دلیلی برخلاف آن موجود نباشد و در غیر این صورت دیگر جایی برای اعمال اصل برائت نخواهد بود. حال اگر دولت یا سازمان‌های مراقبتی کشور با دلیل و اسناد معتبر به منشأ پول‌شویی مشکوک شوند، صاحب درآمد باید برای اثبات مشروع بودن آن، ادله قانونی ارائه دهد و نمی‌تواند بدین اصل استناد کند (ذبیح‌الله‌نژاد و غلام‌نیا روشن، ۱۳۹۹: ۷۱). با این حال، قانون مبارزه با پول‌شویی در تبصره ۱ ماده ۲، سازوکاری را پذیرفته که طی آن صرف وجود ظن معقول یا نشانه‌ای از نامشروع بودن منشأ مال، کافی است تا بار اثبات مشروعیت بر عهده صاحب مال قرار گیرد. به بیان دیگر، پس از احراز نشانه‌های اولیه، این متهم است که باید منشأ مشروع مال را اثبات کند، نه مقام تعقیب که به استدلال‌های کامل و قانع کننده متکی باشد. این رویکرد که بنابر نظر برخی پژوهشگران باتوجه به جایگاه ویژه و خاص پول‌شویی و وجود سیاست پیشگیرانه و سخت‌گیرانه قابل توجیه می‌باشد (علیشاهی قلعه‌جویی و معالی، ۱۴۰۱: ۱۰۲). در ساحت حقوقی با چند ایراد اساسی روبه‌رو است:

نخست در تعارض آشکار با اصل برائت مندرج در قانون اساسی قرار دارد؛ اصلی که اقتضا می‌کند هیچ‌کس مجرم شناخته نشود، مگر با حکم دادگاه صالح و براساس ادله معتبر؛ دوم، مغایر با معیارهای دادرسی عادلانه است، زیرا فرض بی‌گناهی را مخدوش و حقوق دفاعی را محدود می‌کند؛ سوم، خطر محکومیت‌های ناعادلانه را افزایش می‌دهد، چراکه در این سازوکار، ظن یا اماره ابتدایی می‌تواند مبنای محکومیت قرار گیرد.

این رویکرد از منظر فقهی نیز قابل تأمل می‌باشد، چراکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «البینه علی المدعی و الیمین علی من أنکر» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۸۱/۳). اثبات وظیفه مدعی است و از منکر تنها پاسخ و دفاع می‌خواهد (مکی عاملی (شهید اول)، ۱۴۰۰: ۴۱۷). همچنین «أصله البرائه» تضمین می‌کند که در فضای شک و ابهام، مسؤولیت کیفری بر دوش فرد نهاده نشود. افزون بر این در نصوص شرعی، عنوان مستقلی برای جرم پول‌شویی به‌مثابه رفتار مجرمانه

مستقل این رفتار، منجر به تعدد مجازات برای یک فعل واحد می‌شود و با عدالت کیفری در تعارض قرار دارد و محاکمه و مجازات بیش از یک بار مجرم، مخالف نظم عمومی جامعه و حقوق و امنیت قضایی شهروندان می‌باشد. بنابر عقیده برخی مبنای این قاعده عدالت و انصاف می‌باشد و بر این باورند که شخص مجرم با مجازات شدن درخصوص فعل مجرمانه، دین خود را به جامعه ادا نموده و اعمال مجازات مضاعف بر او خلاف اقتضای انصاف و عدالت است (پوربافرانی، ۱۳۸۱/۸۹). در پول‌شویی در نظر گرفتن مجازات کیفری، مجازات مضاعف به حساب می‌آید، بدین معنا در پول‌شویی فرد به دلیل انجام یک جرم یک بار و سپس تلاش برای پنهان‌سازی عواید حاصل از آن جرم، دوباره مجازات شود. این مسأله به‌ویژه در مواردی که جرم اصلی و جرم پول‌شویی به‌طور ناگسستگی به هم مرتبط هستند، برجسته‌تر می‌شود. به عنوان مثال، فردی که از طریق سرقت مالی را تحصیل نموده، سپس برای پنهان نمودن منشأ آن اقداماتی انجام می‌دهد، هم به دلیل سرقت و هم به دلیل پول‌شویی مجازات می‌شود که با عدالت کیفری در تضاد می‌باشد. مال یا عواید نامشروع، نتیجه مستقیم ارتکاب جرم منشأ است. تبدیل، انتقال یا مخفی‌سازی آن به قصد مشروع نمایی، بخشی از فرایند طبیعی بهره‌برداری از مال به شمار می‌رود.

۳- قاعده سد ذرایع (ضرورت سالم‌سازی محیط اجتماعی - اقتصادی برای پیشگیری از پول‌شویی)

در میان اصولیان، هرچند سد ذرایع مورد پذیرش قرار نگرفته، اما در قالب امور دیگری همانند حرمت مقدمه حرام و وجوب مقدمه واجب، مورد بحث قرار گرفته است. واژه سد به معنای مانعی که بر سر راه آب قرار می‌گیرد و مانع و حاجز میان دو چیز می‌باشد (مقری فیومی، ۱۳۶۸: ۲۷۰/۱). ذریعه نیز در لغت به معنای وسیله و راه رسیدن به چیزی می‌باشد (قرافی، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۲). ترکیب سد ذرایع به معنای جلوگیری از مقدمات و وسیله‌های است که منجر به فعل حرام می‌گردد (بحرانی، ۱۴۲۶: ۱۷۷/۲).

درواقع پیشگیری از جرم در منابع فقهی، با عنوان قاعده سد ذرایع بیان شده است که مبنای این قاعده در پول‌شویی،

مورد جاری می‌باشد. طبق این تعریف مدعی کسی است که سخنش مخالف ظاهر حال یا اصل باشد و لازم باشد برای اثبات ادعایش بینه بیاورد. مقابل آن، منکر کسی است که مطابق اصل یا ظاهر حال سخن می‌گوید و نیازی به اقامه دلیل ندارد، لذا واضح است که صاحب مال یا صاحب ید که ادعای مشروعیت مال را می‌کند، مطابق اصل و ظاهر سخن می‌گوید، پس منکر است نه مدعی. بنابر نظر برخی از فقها نیز مرجع شناخت مدعی و منکر عرف می‌باشد، لذا طبق این تعریف، جهت تشخیص مدعی و مدعی علیه باید به عرف مراجعه نمود، چراکه مرجع تشخیص مفاهیم الفاظ، عرف می‌باشد و شارع برای بیان احکام مکلفین به عرف بسنده نموده و روش خاصی را بیان نموده است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۸۲۷). عرف حقوقی و قضایی ایران به‌طور سنتی، دارنده مال را «منکر» می‌داند، چون ید و تصرف بر مال نشانه مالکیت است. بنابراین دارنده مال در نگاه عرف، نیازی به اثبات مشروعیت ندارد، مگر آن که دلیل معتبر علیه او ارائه شود. نویسنده با کنار گذاشتن معیار عرف، یک برداشت «معکوس» ارائه داده که در آن صاحب مال باید مشروعیت را اثبات کند. این دقیقاً برخلاف عرف دادگاه‌ها و حتی عرف اجتماعی است که اصل را بر مالکیت و صحت معامله می‌گذارد.

۲- تفکیک میان دعوای حقوقی و دعوای کیفری: برخلاف دعوای حقوقی در دعوای کیفری، اصل بر براءت است و بار اثبات تمام ارکان جرم برعهده مقام تعقیب است، حتی اگر این اثبات مستلزم اثبات منشأ نامشروع عواید باشد، لذا دعوای حقوقی و کیفری از یکدیگر متمایز می‌باشند.

۲-۴- مجازات مضاعف بودن جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی
قاعده منع مجازات مضاعف از اصول عقلی پذیرفته شده در حقوق کیفری امروز می‌باشد. براساس این قاعده، هیچ کس را نمی‌توان به سبب ارتکاب جرمی واحد، دو بار محاکمه و مجازات نمود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۴۷؛ فضائی، ۱۳۸۷: ۳۰۷). این قاعده در فرایند جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی نادیده گرفته شده است. از منظر فلسفه حقوق کیفری، هرگاه رفتار «پوشویی» توسط مرتکب جرم منشأ انجام شود، در واقع تداوم اراده مجرمانه و استمرار فعل واحد اوست. جرم‌انگاری

پنهان‌سازی و ادغام اموال غیرمشروع را مهیا کند. از این رو سیاست کیفری نباید تنها بر وجه سرکوبگرانه مجازات تکیه داشته باشد؛ پیشگیری اجتماعی بخش جدایی‌ناپذیر یک راهبرد مؤثر محسوب می‌شوند. جامعه‌ای که نظام مالی شفاف و نظام بانکی منضبط دارد، کمتر به بستری برای پول‌شویی بدل می‌شود.

۴- مسئولیت دستگاه‌های نظارتی حاکمیتی در شیوع پول‌شویی

نظام نظارتی هر کشور، ستون اصلی سلامت اقتصادی و پیشگیری از جرایم مالی محسوب می‌شود. نهادهای نظارتی حاکمیتی، به واسطه مسئولیت قانونی و شرعی خود، همواره در موقعیت «پیشگیری» و «کنترل» جریان‌های مالی قرار دارند. هرگونه ضعف در انجام این وظایف، چه ناشی از قصور یا تقصیر باشد، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم زمینه وقوع پول‌شویی را فراهم می‌کند، لذا جهت بررسی مسئولیت دستگاه‌های نظارتی در مقابله با پول‌شویی ابتدا به بررسی نهادهای نظارتی حاکمیتی و شرح وظایف ایشان و سپس به وظیفه مدعی‌العموم در موارد قصور و تقصیر این نهادها پرداخته می‌شود.

۴-۱- دستگاه‌های نظارتی حاکمیتی و شرح وظایف ایشان

سازمان‌هایی چون سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، وزارت اطلاعات، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان امور مالیاتی، مرکز اطلاعات مالی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، نه تنها وظیفه قانونی، بلکه تکلیف شرعی در صیانت از اموال عمومی و کنترل گردش‌های مالی دارند. با این حال، ضعف در رصد مستمر بازار مالی، عدم هماهنگی نهادی و کم‌توجهی به منشأ وجوه، بستر مناسبی برای پول‌شویی و جرایم مرتبط ایجاد کرده است.

۴-۱-۱- سازمان بازرسی کل کشور

اصل ۱۷۴ قانون اساسی، بر تشکیل سازمان بازرسی برای نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری تأکید دارد. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (مصوب سال ۱۳۶۰ و اصلاحات بعدی آن) از دو

جلوگیری از ایجاد بسترهایی است که پیش از تحقق جرم منجر به ارتکاب حرام یا فساد اقتصادی می‌شود و در جامعه امروزی، پیشگیری غیرکیفری جرم در راستای این قاعده فقهی می‌باشد. درواقع این نوع پیشگیری، اقدامی غیرکیفری با هدف کاهش یا از بین بردن عوامل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم می‌باشد. پیشگیری غیرکیفری خود دو نوع دارد: ۱- نوع اول آن پیشگیری اجتماعی از جرایم پول‌شویی می‌باشد. پیشگیری اجتماعی به مجموعه اقدامات و تدابیری گفته می‌شود که هدف آن حذف یا کاهش خطر عوامل اجتماعی و اقتصادی و محیطی جرم و کاستن از علل جرم‌زا، همچون علل جرایم پدیده پول‌شویی است که این نوع پیشگیری خود به دو قسم پیشگیری اجتماعی رشدمدار و پیشگیری اجتماعی جامعه‌محور تقسیم می‌شود. پیشگیری اجتماعی جامعه‌محور، شامل تدابیر و اقداماتی است که هدف آن، حذف یا کاهش علل جرم‌زا می‌باشد که بنابر عقیده بیشتر جرم‌شناسان یک محیط اجتماعی بایستی سالم و مناسب باشد. در پیشگیری اجتماعی رشدمدار، جهت جلوگیری از مخاطرات فساد مالی و مصادیقی مانند پول‌شویی از همان ابتدا در کلاس‌های درس با خانواده، کودکان آموزش داده می‌شوند. نوع دوم پیشگیری، پیشگیری وضعی از جرایم می‌باشد. این نوع از پیشگیری، بیشتر ناظر بر مؤسسه‌های مالی و بانکی است که پیشگیری از وقوع آن نیازمند تدابیر ویژه می‌باشد، ازجمله آموزش کارکنان، تعدیل قاعده رازداری بانکی، مستندسازی انتقال وجوه و ... می‌باشد (ذبیح‌الله‌نژاد و غلام‌نیا روشن، ۱۳۹۹: ۸۱).

تطبیق این قاعده بر پول‌شویی نشان می‌دهد که حذف زمینه‌های ایجاد جرم، مقدم بر واکنش کیفری و جرم‌انگاری می‌باشد. به عبارت دیگر، سالم‌سازی محیط اجتماعی - اقتصادی، از منظر فقه و حقوق، الزاماً مقدم بر جرم‌انگاری است. همان‌طور که نصوص شرعی بر عدم تطهیر مال و نهی از اکل مال به باطل و عدم همکاری با گناه و بستن مجاری حرام تأکید می‌کنند، سیاست عمومی باید به سمت بسته‌شدن راه‌های ایجاد پول‌شویی برود، چراکه پول‌شویی، به عنوان فرآیند تطهیر ظاهری عواید ناشی از جرایم منشأ، نیازمند بستری اجتماعی - اقتصادی است که امکان جابه‌جایی،

تخلف در امور مالی دستگاه‌ها شروع می‌شود و به کشف مصرف نامشروع اموال پرداخته و ضمن اعلام گزارش به مجلس به مجازات متخلف بپردازد که ترک این وظایف مصداق قصور یا تقصیر این نهاد است و مستقیماً می‌تواند بستر پول‌شویی، به‌خصوص در نتیجه اختلاس، را فراهم آورد.

۴-۱-۳- کمیسیون اصل ۹۰ مجلس

کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، بر پایه اصل ۹۰ قانون اساسی، نهادی نظارتی - پارلمانی است که مأموریت دارد شکایات و گزارش‌های مردمی را درباره طرز کار قوای سه‌گانه بررسی و پاسخ دستگاه‌های مربوط را مطالبه کند. این وظیفه عمومی، به ظاهر فاقد ارتباط مستقیم با جرایم مالی مانند پول‌شویی است، اما با دقت در مفهوم «طرز کار» و آثار ترک وظایف قانونی، جایگاه کمیسیون در این حوزه روشن می‌شود، بدین‌جهت که پول‌شویی، همواره نتیجه یا همراه جرایمی است که اغلب، بُعد امنیتی و اقتصادی کشور را تهدید می‌کند، از جمله اختلاس، قاچاق ارز، فساد اداری و مالی. قصور دستگاه‌های اجرایی یا قضایی در پیشگیری، شناسایی و تعقیب این چرخه‌ها، مصداق صریح اختلال در «طرز کار» محسوب می‌شود و همین، مبنای صلاحیت کمیسیون برای ورود به پرونده‌های پول‌شویی را فراهم می‌آورد و کوتاهی از انجام این وظیفه قانونی می‌تواند قصور یا تقصیر این سازمان را نشان دهد.

۴-۱-۴- وزارت اطلاعات

در نظام حقوقی ایران، وزارت اطلاعات به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تأمین امنیت داخلی و خارجی، جایگاهی ویژه در کشف و مقابله با پول‌شویی دارد. این جایگاه در مقررات آیین دادرسی کیفری و قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون تأسیس وزارت اطلاعات با تکالیف خاص و ضمانت اجرای مشخص تثبیت شده است.

بند «ب» ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ۳ ماده ۷ مکرر (الحاقی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) قانون مبارزه با پول‌شویی مأموران وزارت اطلاعات را، از جمله ضابطان خاص می‌داند و ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری را مأمورانی می‌داند که تحت نظارت و تعلیمات

بعد این سازمان را در قبال پول‌شویی مسؤول می‌داند: بعد اول آن، بعد پیشگیرانه می‌باشد، چنان‌که ماده ۲ این قانون، سازمان را مکلف به بررسی شکایات، انجام بازرسی‌های مستمر و فوق‌العاده، اعلام موارد تخلف و ... می‌نماید. درواقع برخلاف بسیاری از نهادهای نظارتی که صرفاً پس از وقوع جرم یا تخلف ورود می‌کنند، سازمان بازرسی وظیفه دارد بر حسن اجرای قوانین در دستگاه‌های اداری نظارت داشته باشد و از تخلفات احتمالی دستگاه‌های اداری جلوگیری نماید که این امر آن را به نهادی فعال در پیشگیری از فساد مالی و اقتصادی و جرایم منشأ پول‌شویی بدل می‌کند. ماده ۸ این قانون بیانگر بعد اصلاحی وظیفه این سازمان می‌باشد. این ماده قانونی همه مسؤولان ذی‌ربط در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات و واحدهای مشمول این قانون را مکلف می‌نماید که اسناد و مدارک مورد لزوم در تحقیقات را سریعاً و بدون فوت وقت در اختیار بازرس یا بازرسان قرار داده و با آنان همکاری نماید، لذا تخلف از وظایف محوله بدین سازمان بسته بدین موضوع که از روی عمد باشد یا غیرعمد، می‌تواند بیانگر قصور یا تقصیر این نهاد در قبال مسؤولیت قانونی وی باشد.

۴-۱-۲- دیوان محاسبات کشور

اصل ۵۵ قانون اساسی، دیوان محاسبات را مسؤول حسابرسی کلیه دستگاه‌هایی می‌داند که به هر نحو از بودجه عمومی استفاده می‌کنند. این اصل، وظیفه کشف و اعلام انحراف از مصوبات و موازین قانونی را برعهده دیوان نهاده، تا هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب فراتر نرود. همچنین این دیوان، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به همراه نظر خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. قانون دیوان محاسبات کشور (مصوب ۱۳۶۱ با اصلاحات بعدی) نیز، در مواد ۱ و ۲، مأموریت‌هایی چون نظارت بر اجرای بودجه کل کشور، رسیدگی به حساب‌ها، کشف عدم انطباق هزینه‌ها و ارائه گزارش به مجلس را پیش‌بینی نموده است، لذا برعکس سازمان بازرسی که وظیفه پیشگیرانه دارد و قبل از وقوع جرم مأموریت نظارت بر حسن اجرای قوانین و پیشگیری از پول‌شویی را دارد، مأموریت دیوان محاسبات پس از وقوع

مقررات پولی تا کنترل جریان‌های سرمایه را در اختیار وزارتخانه قرار می‌دهد. بی‌تردید، طراحی و اجرای این سیاست‌ها بدون تمهیدات کارآمد برای جلوگیری از ورود و خروج غیرقانونی وجوه، متضمن پذیرش مسؤولیت مستقیم در مقابله با پول‌شویی است.

علاوه بر آن، ماده ۹ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، به‌منظور پیشگیری از شکل‌گیری فساد، وزارت امور اقتصادی و دارایی را مکلف نموده است که در اجرای وظایف قانونی خود به اعمال نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام و هرگونه سوءجریان را به‌همراه پیشنهادهای اصلاحی به مراجع ذی‌ربط منعکس نماید، لذا وزارت امور اقتصادی و دارایی جایگاه مهمی در شفاف‌سازی، هدایت و کنترل نظام پولی و مالی دارد. وظایف این جایگاه، اگر به‌درستی ایفا گردد، سد محکمی در برابر نفوذ سرمایه‌های آلوده به نظام اقتصادی خواهد بود و هرگونه کوتاهی در انجام وظایف می‌تواند، تقصیر یا قصور این سازمان در جهت جلوگیری از پول‌شویی را اثبات نماید.

۴-۱-۶- مرکز اطلاعات مالی^۱

مرکز اطلاعات مالی با مأموریت والای پیشگیری و مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، بر جریان‌های پنهان سرمایه نظارت می‌کند. ماده ۲ آیین‌نامه تشکیلات مرکز اطلاعات مالی بیان می‌کند که: «FIU تحت وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شود، اما واحد مستقل است و دارای استقلال اداری و مالی می‌باشد.» این نهاد وظایف مهمی در جهت پیشگیری از پول‌شویی دارد، چراکه طبق ماده ۴ آیین‌نامه تشکیلات مرکز اطلاعات مالی این نهاد وظیفه دارد، اطلاعات مربوط معاملات و عملیات مشکوک به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را بررسی نموده و همچنین وظیفه ردیابی وجوه و انتقال اموال و گزارش معاملات و بررسی ارزیابی و نحوه تحصیل و مشروعیت دارایی‌ها و درنهایت توقیف و جلوگیری از انتقال اموال مشکوک و اطلاع به مراجع قضایی را برعهده دارد. ماده ۴ قانون مبارزه با پول‌شویی (مصوب سال ۱۳۸۶ با آخرین اصلاحات و الحاقات)

دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی‌شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به‌موجب قانون اقدام می‌کند، لذا این ۲ ماده قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی جایگاه ضابطانه وزارت اطلاعات را در پیشگیری از جرم پول‌شویی بیان می‌کنند. ماده ۴ قانون تأسیس وزارت اطلاعات کلیه امور اجرایی امنیت داخلی را برعهده ضابطین قوه قضاییه قرار داده است. این ماده قانونی بدین‌معناست که کشف عملیات پول‌شویی که به امنیت داخلی لطمه می‌زند، بخشی از همان امور اجرایی امنیتی محسوب می‌شود و ضابطان خاص وزارت اطلاعات در این حوزه باید از ابزارهای اطلاعاتی و جمع‌آوری شواهد مالی استفاده نمایند تا چرخه جرم و جریان‌های پنهان اقتصادی شناسایی شود.

ماده ۴۴ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان، تکلیف مستقیم وزارت اطلاعات در کشف شبکه‌های اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی قاچاق سازمان‌یافته مرتبط با جرایم موضوع این قانون را مشخص نموده است. در این ماده قانونی بیان شده است: «وزارت اطلاعات مکلف است ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی قاچاق سازمان‌یافته مرتبط با جرایم موضوع این قانون، در حوزه اختیارات قانونی نسبت به شناسایی و تعقیب آن‌ها با حکم دادستان کل یا قاضی که وی تعیین می‌کند، اقدام و همچنین نسبت به ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذی‌صلاح نیز اقدام نماید»، لذا تخلف از وظایف محوله از حیث ضابط دادگستری بودن یا به‌موجب قوانین خاصی که فوقاً بیان شد، بیانگر قصور یا تقصیر این نهاد در مبارزه با پول‌شویی می‌باشد.

۴-۱-۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی

وزارت امور اقتصادی و دارایی، براساس قانون تأسیس و تشکیلات وزارت امور اقتصادی و دارایی مصوب ۱۳۵۳، یکی از ستون‌های اصلی در نظم مالی و اقتصادی کشور است؛ در ماده ۱ آن، این وزارتخانه به‌عنوان مسؤول «سیاست‌گذاری، اجرای برنامه سیاست‌های مالی، هدایت و تنظیم امور اقتصادی و مالی کشور» معرفی می‌شود. این عبارت در ظاهر کلی، در عمل تمامی ابزارهای سیاست‌گذاری مالی، از وضع

^۱ - FIU: Financial Intelligence Unit

نگهبان مرزی، نقش غربالگر نخستین را در مبارزه با پول‌شویی ایفا می‌کند، زیرا در نقطه‌ای قرار دارد که تمام جریان‌های کالایی و ارزی ورودی و خروجی کشور ناگزیر از عبور از آن هستند، لذا این موقعیت باعث می‌شود هرگونه تلاش برای پنهان کردن منشأ غیرقانونی دارایی‌ها، در مرحله ورود یا خروج، با نگاه و ابزار نظارتی گمرک مواجه شود. درواقع این ماده قانونی با تثبیت نقش گمرک در کنترل مرزهای اقتصادی، بیانگر نقش پیشگیرانه این نهاد در مقابله با پول‌شویی می‌باشد. مواد ۵، ۶ و ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی تکالیفی بر اشخاص، دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون نهاده است که گمرک جمهوری اسلامی ایران یکی از موارد مشمول این قانون می‌باشد. از تکالیف این نهاد جهت پیشگیری از پول‌شویی می‌توان به ارائه گزارش‌های مشکوک مربوط به معاملات یا عملیات مالی مشکوک بانکی، ثبتی، سرمایه‌گذاری، صرافی، کارگزاری و مانند آن‌ها به واحد اطلاعات مالی می‌باشد. تبصره این ماده معاملات و عملیات مشکوک را شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال، اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آن‌ها است که براساس اوضاع و احوالی، مانند ارزش، موضوع یا طرفین آن برای انسان به‌طور متعارف ظن وقوع جرم را ایجاد کند، نظیر:

۱- معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که به نحو فاحش بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد؛

۲- کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آن‌که معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه؛

۳- معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود، صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است؛

۴- معاملات یا عملیات مالی که اقامتگاه قانونی هریک از طرفین در مناطق پرخطر (از نظر پول‌شویی) واقع شده است، فهرست این مناطق توسط شورا مشخص می‌شود؛

۵- معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرایی، هرچند مراجعان، قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل

نیز این نهاد را موظف به هماهنگ‌نمودن دستگاه‌های زیرمجموعه دولت در امر جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد، مدارک، اطلاعات و گزارش‌های واصله، تهیه سامانه‌های هوشمند و شناسایی معاملات مشکوک و گزارش به مراجع ذی‌ربط جهت انجام اقدامات لازم نموده است. ماده ۷ مکرر (الحاقی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵) قانون مبارزه با پول‌شویی نیز وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها، سازمان ثبت احوال کشور، بیمه مرکزی ایران، سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مبارزه با مواد مخدر و سازمان تعزیرات حکومتی، را موظف نموده پاسخ استعلامات مرکز در مورد اطلاعات تکمیلی مرتبط با معاملات و تراکنش‌های مالی مشکوک به پول‌شویی را به‌صورت برخاط امن به این مرکز ارسال نمایند، لذا اگر وظایف مصرحه در قوانین به‌درستی انجام شوند، تمام معاملات و عملیات مشکوک و ردیابی مشروعیت اموال شناسایی شده و زمینه‌های ایجاد پول‌شویی از بین می‌روند و تخلف از این وظایف می‌تواند مصداق قصور و تقصیر این نهاد در مبارزه با پول‌شویی باشد.

۴-۱-۷- گمرک جمهوری اسلامی ایران

در ماده ۲ قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۹۰) در تعریف گمرک بیان شده است: «گمرک جمهوری اسلامی ایران سازمانی دولتی تابع وزارت امور اقتصادی و دارایی است که به‌عنوان مرزبان اقتصادی کشور نقش محوری و هماهنگ‌کننده را در مبادی ورودی و خروجی کشور دارد و مسؤول اعمال حاکمیت دولت در اجرای قانون امور گمرکی و سایر قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات و عبور (ترانزیت) کالا و وصول حقوق ورودی و عوارض گمرکی و مالیات‌های مربوطه و الزامات فنی و تسهیل تجارت است.

اگرچه این ماده قانونی در ظاهر به تعریف گمرک می‌پردازد که نهادی دولتی برای اجرای قوانین واردات، صادرات، ترانزیت و اخذ حقوق ورودی و ... می‌باشد، اما درواقع، همین

فراهم‌شدن بستر پول‌شویی و فساد اقتصادی می‌باشد. این نهادها به سبب جایگاهشان، قدرت جلوگیری از جرم را دارند. بنابراین کوتاهی آن‌ها جرم را ممکن یا آسان می‌کند. دادستان در مقام مدعی‌العموم باید به مجازات نهادهای مقصر بپردازد، چون اولاً اصل برائت بیانگر آنست که مردم نباید به‌خاطر ضعف دستگاه‌ها متهم و مجازات شوند؛ ثانیاً طبق قاعده منع مجازات مضاعف نباید خسارت ناشی از قصور نهادها را دوباره بر دوش مردم گذاشت و از همه مهم‌تر بحث عدالت کیفری می‌باشد و بیانگر آنست که مسؤول اصلی وقوع پول‌شویی، نهادی است که ابزار پیشگیری در اختیار داشته، ولی استفاده نکرده است. درواقع مدعی‌العموم، اگر واقعاً مدافع حقوق عمومی باشد، باید در درجه اول تمرکز را بر پاسخگویی و محکومیت دستگاه‌های حاکمیتی قصورکننده بگذارد و سپس به پرونده‌های فردی بپردازد.

۵- رویکرد مدنی‌سازی مجازات پول‌شویی

در این میان، پرسش بنیادین این است که آیا جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی، پس از محکومیت مرتکب به مجازات جرم مقدم، ضرورت دارد یا می‌توان از طریق رویکردهای پیشگیرانه غیرکیفری، همچون سالم‌سازی محیط جامعه از طریق توجه بیشتر به نقش نهادهای نظارتی و مدنی‌سازی مجازات آن، با این پدیده مقابله نمود. در پاسخ بدین سؤال باید توجه داشت که پول‌شویی خود ماهیتاً یک اقدام واسطه‌ای است که تنها انعکاس‌دهنده جرایم اصلی‌تر و منشأ فساد و ناپاکی در اقتصاد و جامعه است، یعنی معضل واقعی، جرایمی همچون فساد مالی، قاچاق ارز و مواد مخدر، اختلاس و جرایم سازمان‌یافته است که پول‌شویی تنها یکی از مرحله‌های پنهان‌سازی عایدات این جرایم به‌شمار می‌آید. بنابراین تمرکز صرف بر جرم‌انگاری و مجازات پول‌شویی بدون پرداختن به منشأ و ریشه‌های این جرایم، صرفاً اقدامی ظاهری و ناقص است که نمی‌تواند به عدالت کیفری واقعی و سیاست کیفری مؤثر منجر شود. مجازات مدنی بدین‌معناست که به جای تمرکز صرف بر مجازات‌های کیفری (حبس و جریمه کیفری)، از ابزارهای حقوقی مدنی و اداری برای برخورد با عواید مجرمانه استفاده کنیم، چراکه هدف اصلی از مبارزه با پول‌شویی، نه صرفاً زندانی کردن افراد، بلکه از بین‌بردن انگیزه‌های مالی

منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند، لذا هر خطا یا غفلت در انجام این وظایف قانونی می‌تواند به عبور سرمایه آلوده و تسهیل وقوع پول‌شویی منجر شود. باتوجه به آنچه درباره نهادهای نظارتی و وظایف ایشان جهت پیشگیری و یا مبارزه با پول‌شویی بیان شد، روشن است که نهادهایی همانند سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس وظیفه پیشگیری و مقابله با پول‌شویی در اشخاص حقوقی را دارند، یعنی رسیدگی به مواردی مانند اختلاس، رشاء سازمان یافته و ... در حیطه وظایف این نهادها می‌باشد. نهادهای مورد اشاره دیگر هم مانند وزارت اطلاعات، گمرک جمهوری اسلامی ایران، مرکز اطلاعات مالی، وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌توانند به پیشگیری و مبارزه با پول‌شویی هم در اشخاص حقیقی (همانند قاچاق کالا و ارز، مواد مخدر، سرقت و ...) و هم در اشخاص حقوقی بپردازند. درواقع کار این نهادها به قاعده سد ذرایع برمی‌گردد، یعنی پیش از آن‌که مال نامشروع بتواند وارد چرخه رسمی اقتصاد شود، مسیر ورود آن را می‌توانند مسدود سازند. وقتی این نهادها با اقتدار، انسجام و هماهنگی نهادی عمل کنند، بسیاری از ذرایع و مسیرهای محتمل برای تبدیل درآمد نامشروع به دارایی مشروع، مسدود می‌گردد. برعکس، هرگونه ضعف در اجرای تکالیف قانونی یا خلأ در تبادل اطلاعات، سبب گشوده‌شدن منافذی خواهد شد که مجرمان مالی با بهره‌گیری از آن، عملیات ایجاد پول‌شویی را تکمیل کرده و دارایی‌های آلوده را در چرخه اقتصادی کشور وارد نمایند. بنابراین نقش این نهادها نه صرفاً در کشف جرم پس از وقوع، بلکه در پیشگیری فعال و بستن راه‌های وقوع است و همین کارکرد پیشگیرانه، همانند قاعده سد ذرایع ضامن سلامت نظام اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

۴-۲- وظیفه دادستان در موارد قصور و تقصیر این نهادها

دادستان یا مدعی‌العموم، نماینده مردم و جامعه در دادسرا می‌باشد. به عبارت دیگر دادستان به نمایندگی از مردم، وظیفه حفظ حقوق و منافع مردم و مصلحت جامعه را برعهده دارد. وقتی نهادهای نظارتی حاکمیتی، مانند سازمان بازرسی، دیوان محاسبات، وزارت امور اقتصادی، یا واحد اطلاعات مالی و ...، درنتیجه قصور یا تقصیر وظیفه خود را ترک کنند، پیامد آن

۳- عدم نیاز به اثبات سوءنیت (عنصر روانی): در دعاوی کیفری، اثبات عنصر روانی یا سوءنیت (یعنی علم به منشأ مجرمانه و قصد تطهیر) برای پول‌شویی بسیار دشوار است. در مقابل، در بسیاری از دعاوی مدنی مربوط به استرداد اموال، صرف اثبات «منشأ غیرقانونی» یا «نامشروع‌بودن» (بدون نیاز به اثبات سوءنیت شخص) کفایت می‌کند. این کار بار اثبات را به‌شدت کاهش داده و کارایی عملیاتی را افزایش می‌دهد؛

۴- کارایی بیشتر در بازگرداندن اموال: هدف اصلی از مبارزه با پول‌شویی، محروم کردن مجرمان از سود حاصل از جرم است. ابزارهای مدنی، تمرکز مستقیم بر روی اموال دارند و می‌توانند به سرعت و با انعطاف‌پذیری بیشتری (نسبت به فرآیندهای طولانی و پیچیده کیفری) اقدام به توقیف، ضبط و استرداد اموال کنند؛

۵- کاهش بار دستگاه قضایی کیفری: انتقال بخشی از بار برخورد با عواید مجرمانه به سیستم قضایی مدنی یا نهادهای اداری (نظیر سازمان امورمالیاتی یا اداره ثبت) می‌تواند از حجم پرونده‌های کیفری بکاهد و فرآیند رسیدگی را تسریع بخشد. قاعده ضمان ید متعاقبه نیز که یکی از قواعد مهم در فقه اسلامی می‌باشد، به موضوع مالکیت و انتقال اموال نامشروع می‌پردازد و بیانگر مجازات مدنی در این‌گونه موارد می‌باشد. در برخی پژوهش‌ها از این قاعده به‌عنوان یکی از ادله جرم‌انگاری پول‌شویی استفاده شده است و چنین تحلیل شده است که اگر به‌طور غیرقانونی، مالی به چند نفر منتقل شود، تمامی دست‌اندرکاران در قبال مالک واقعی آن مسؤول هستند. معاملات و نقل و انتقالات صورت‌گرفته باطل بوده و موجب تملک برای هیچ یک از طرفین نمی‌شود و معتقدند که این قاعده کاملاً با موضوع جرم پول‌شویی مرتبط می‌باشد. در پول‌شویی، درآمدهای نامشروع و غیرقانونی حاصل از جرایم مانند قاچاق مواد مخدر، فساد مالی و ...، از طریق فرآیندهای مختلف وارد چرخه اقتصادی می‌شوند تا منشأ آن‌ها پنهان و درآمدها جلوه قانونی پیدا کنند. این روند شامل انتقال، تبدیل، مخفی کردن یا جابه‌جایی مالکیت اموال حاصل از جرم است. باتوجه به قاعده ضمان ید متعاقبه، تمامی این فعالیت‌ها و نقل

ارتکاب جرم و خشکاندن ریشه‌های اقتصادی جرایم است و تا زمانی که بسترهای ساختاری و فضای کلی (سیاسی و اقتصادی) مهیای پول‌شویی باشد و در کار نهادهای نظارتی ضعف وجود داشته باشد، صرف جرم‌انگاری و افزایش مجازات‌ها، اثربخشی لازم را نخواهد داشت و حتی می‌تواند منجر به پیامدهای منفی شود، اما مجازات‌های مالی و ضبط اموال، مستقیماً به هدف پیشگیری از وقوع جرم پاسخ می‌دهند و برای بسیاری از پول‌شویان، محرومیت از ثروت نامشروع، می‌تواند بازدارندگی قوی‌تری نسبت به حبس داشته باشد، به‌ویژه برای افرادی که از طریق این جرایم به ثروت کلان رسیده‌اند. همان‌طور که برخی وصول مالیات را یکی از سیاست‌های کلان ضدپول‌شویی می‌دانند و معتقدند سیستم مالیاتی کشور می‌تواند با سیاست‌های مناسب، سبب جلوگیری از فرار مالیاتی و در نتیجه جلوگیری از ایجاد پول‌های کثیف و پول‌شویی شود (شفیعی و صبور دیلمی، ۱۳۸۸: ۱۵۰). استفاده از مجازات مدنی به چند جهت می‌تواند چالش‌های موجود در مجازات‌های کیفری را رفع نماید:

۱- رفع تعارض با مبانی فقهی و قانون اساسی: آیات و روایاتی که فوقاً بیان شد، هیچ‌کدام بیانگر جنبه کیفری برای پول‌شویی نبودند، هنگامی که مجازات پول‌شویی با مبانی فقهی سازگاری داشته باشد، تعارض آن با قانون اساسی که بر انطباق تمام قوانین و مقررات با مبانی فقهی تأکید دارد، برطرف می‌شود؛

۲- رفع مشکل مجازات مضاعف و تعارض با اصل برائت: بزرگ‌ترین مزیت این رویکرد، جلوگیری از تعارض با اصل عدم مجازات مضاعف است. اگر هدف اصلی بازپس‌گیری اموال باشد نه مجازات مستقل عمل پول‌شویی توسط مرتکب اصلی، دیگر نیازی به یک جرم مستقل برای پول‌شویی و مجازات آن نیست. در واقع، مجرم برای جرم اصلی خود مجازات کیفری می‌شود و اموال نامشروع او از طریق دعاوی مدنی یا اقدامات اداری (نه لزوماً کیفری) ضبط یا استرداد می‌گردند. همچنین در مدنی‌سازی، چون هیچ جرم و محکومیت کیفری اعلام نمی‌شود، دادرسی مدنی یا اداری با اصل برائت در تعارض قرار نمی‌گیرد؛

سطح اجرا نیز، بررسی نقش نهادهای هفت‌گانه نظارتی و وظیفه نظارتی دادستان نشان داد که ایشان نقش به‌سزایی در جلوگیری از زمینه‌های ایجاد پول‌شویی و شیوع آن دارند که کمتر بدان توجه می‌شود.

بر این اساس، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر ناسازگاری جرم‌انگاری کیفری فعلی پول‌شویی با سیاست و عدالت کیفری از هر دو منظر نظری و اجرایی تأیید می‌شود. اصلاح این وضعیت مستلزم رویکردی دوگانه است: از یک‌سو، بازنگری تقنینی در حدود و ثغور جرم‌انگاری، از طریق جایگزینی نسبی ضمانت اجرای مدنی (استرداد و ضبط اموال) به‌جای مجازات کیفری و تفکیک دقیق مصادیق مجرمانه بر پایه احراز علم و قصد و از سوی دیگر، تقویت ساختاری نهادهای پیشگیرانه و روشن‌سازی جایگاه نظارتی دادستان بر عملکرد آن‌ها. تنها با تحقق هم‌زمان این دو محور است که می‌توان میان هدف مشروع مبارزه با پول‌شویی و پای‌بندی به اصول بنیادین عدالت کیفری و فقه اسلامی، تعادلی معقول برقرار نمود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

و انتقالات پول‌شویان باطل و غیرمشموع تلقی می‌شوند. هیچ یک از افراد یا نهادهای درگیر در این روند نمی‌توانند مالکیت قانونی این اموال را کسب کنند. همه آن‌ها در برابر مالکان واقعی که قربانیان جرایم اولیه هستند، مسؤول شناخته می‌شوند (قوامی‌پور سرشکه و محمودی، ۱۴۰۳: ۷۲؛ سلیمانی و عبدالحی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۸۴؛ مطهری‌خواه، ۱۳۹۵: ۱۰۵)، اما این قاعده نیز بیانگر جنبه مدنی نقل و انتقال اموال نامشروع می‌باشد، چراکه ضمانت‌پذیر متعاقب به مسؤولیت هر یدی که پس از ید قبلی بر مال نامشروع یا مغضوب قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود و کاربرد آن در پول‌شویی بدین‌صورت است که هریک از این یدها، درصورت اثبات تصرف بر مال نامشروع، ضامن است تا مال به صاحب اصلی یا بیت‌المال بازگردد. این ضمانت بدون اثبات جرم کیفری برای هر ید وجود دارد، زیرا صرف تصرف بر مال غیر، مسؤولیت مدنی ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

مجموع مباحث مطرح‌شده در این نوشتار نشان می‌دهد که سیاست کیفری حاکم بر پول‌شویی در نظام حقوقی ایران، در وضعیت کنونی خود، در دو محور اساسی دچار چالش است: نخست در سطح مبانی جرم‌انگاری و دوم در سطح اجرا و پیشگیری نهادی. این دو محور، هرچند در ظاهر مستقل به نظر می‌رسند، در واقع مکمل یکدیگرند و در تعارض با اصول بنیادین حقوق کیفری هستند.

در سطح مبانی، بررسی نشان داد که جرم‌انگاری مستقل پول‌شویی از هر سه منظر مورد بحث، محل تردید جدی است. از حیث اصل منع مجازات مضاعف، مجازات جداگانه مرتکبی که پیش‌تر به‌سبب جرم منشأ محکوم شده، سبب تعدد مجازات برای یک رفتار واحد است. از حیث اصل ۴ قانون اساسی و مبانی فقهی، جرم‌انگاری کیفری پول‌شویی فاقد مبنای روشن مستقل در فقه امامیه است و نیازمند بازنگری تقنینی است و از حیث اصل برائت، سازوکارهای اثباتی موجود، با معکوس‌کردن عملی بار اثبات و بنانهادن بر فرض مجرمانه‌بودن منشأ مال پیش از احراز قطعی جرم، حقوق دفاعی اشخاص را در معرض نقض قرار می‌دهد. در

- شیخ طوسی، محمد (بی‌تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. جلد دوم، بیروت: احیاء التراث العربی.

- صحرائیان، مهدی (۱۳۸۱). *زبان‌های ناشی از تطهیر پول*. اولین کارگاه سراسری علمی - کاربردی قضات دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور در امر مبارزه با مواد مخدر، چاپ اول، تهران: نشر آبی.

- طباطبائی، محمدحسین (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- طبرسی، ابی‌الفضل حسن (۱۳۸۰). *مجمع البیان*. ترجمه علی کرمی، جلد سوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- علیشاهی قلعه‌جوقی، ابوالفضل و معالی، مهدیه (۱۴۰۱)، «تعارض و دلیل‌آوری معکوس شدن بار اثبات در پول‌شویی با اصول و قواعد». *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۸(۶۸): ۱۰۱-۱۱۹.

- فضائی، مصطفی (۱۳۸۷). *دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.

- قرافی، احمد (۱۴۱۴). *انوار البروق فی انواع الفروق*. جلد دوم، بیروت: انتشارات دار عالم الکتاب.

- قرطبی، محمد (۱۴۰۵). *الجامع الاحکام القرآن*. جلد دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- قوامی‌پور سرشکه، محدثه و محمودی، امیررضا (۱۴۰۳). «رویکرد فقه اسلامی و نظام حقوقی درخصوص جرم‌انگاری پول‌شویی». *فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزا*، ۸(۳۵): ۶۴-۷۶.

- کلینی، محمد (۱۴۰۷). *الکافی (ط - الإسلامیه)*. جلد پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *آیات الاحکام (حقوقی - جزایی)*. تهران: انتشارات میزان.

- ابن منظور، محمد (۱۴۰۵). *لسان العرب*. جلد یازدهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- آشتیانی، میرزاحمد (بی‌تا). *قضاء/لاشتیانی*. بی‌جا: بی‌نام.

- بحرانی، محمدصنقرعلی (۱۴۲۶). *المعجم الاصولی*. جلد دوم، عترة: منشورات نقش.

- پوربافرانی، حسن (۱۳۸۱). «ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین‌الملل». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، ۱۲: ۱۶۱-۱۸۶.

- حر عاملی، محمد (۱۴۱۰). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد هفدهم، بیروت: داراحیاء تراث العربی.

- حلی، حسن (۱۴۱۳). *مختلف الشیعه*. جلد بیست‌وپنجم، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.

- خیرانی آرانی، روح‌اله؛ زرنشان، شهرام و سلیمانیان، محمدهادی (۱۴۰۱). «ارزیابی وضعیت ایران در ارتباط با مقررات بین‌المللی مرتبط با پول‌شویی». *مجله پژوهش‌های فقهی*، ۲۱(۴۹): ۳۹-۶۹.

- ذبیح‌الله‌نژاد، وحید و غلام‌نیا روشن، حمیدرضا (۱۳۹۹). «مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری پول‌شویی و رویکردهای پیشگیرانه در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی». *فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم*، ۳(۱): ۶۳-۹۰.

- سالارزائی، امیرحمزه (۱۳۹۰). «عدم اعتبار جرم‌انگاری پول‌شویی از منظر فقه و حقوق ایران». *مجله پژوهش‌های فقهی*، ۱۷(۱): ۱۲۹-۱۵۴.

- سلیمانی، حمید و عبدالله‌نژاد، عبدالکریم (۱۳۸۹). «بررسی مبانی فقهی جرم پول‌شویی». *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۲(۳): ۶۷-۹۳.

- شفیعی، سعیده و صبوری دیلمی، محمدحسن (۱۳۸۸). «بررسی شیوه‌های مبارزه با پول‌شویی با تأکید بر راهکارهای مالیاتی». *فصلنامه پژوهشنامه مالیات*، ۱۷(۵): ۱۳۷-۱۶۹.

- محقق حلی، جعفر (۱۴۰۹). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: انتشارات استقلال.
- مطهری‌خواه، ذبیح (۱۳۹۵). «بررسی فقهی حکم پول‌شویی از دیدگاه امام خمینی». *پژوهشنامه متین*، ۱۸ (۷۰): ۸۹-۱۱۱.
- مغربی، نعمان (۱۳۸۳). *دعائم الاسلام*. تحقیق آصف فیضی، جلد دوم، قاهره: دارالمعارف.
- مقرئ فیومی، احمد (۱۳۶۸). *المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی*. جلد اول، بیروت: المکتبه العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶). *قواعد الفقهیه*. جلد اول، قم: مدرسه الامام علی.
- مکی عاملی (شهید اول)، محمد (۱۴۰۰). *القوائد و الفوائد*. قم: کتاب‌فروشی مفید.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷). *القواعد الفقهیه*. جلد سوم، قم: نشر هادی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). *تحریر الوسیله*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۷). *توضیح المسائل*. چاپ هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی مقدم، محمد (۱۳۸۶). *پول‌شویی*. چاپ دوم، تهران: نشر معاونت دادگستری کل استان قم.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۷). *حقوق جزای بین‌المللی*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۷). *دادگاه بین‌المللی کیفری*. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دادگستر.